

آیا می دانید که؟؟



■ زرافه تار صوتی ندارد ولال است و نمی تواند هیچ صدایی از خود در آورد.
- موشهای صحرایی چنان سریع تکثیر پیدا می کنند، که در عرض هجده ماه دو موش صحرایی قادرند یک میلیون فرزند داشته باشند!
- چنین بعد از هفته هفدهم خواب هم می توانند ببینند.
- گربه‌وسگ‌ها هر کدام پنج گروه خونی دارند و انسان چهار گروه!
- رویاه ها همه چیز را خاکستری می بینند.
- اسپها در مقابل گاز اشک آور مصون اند.
- زرافه ایستاده وض حمل می کند و نوزادش از فاصله ۱۸۰ سانتی متری به زمین می افتد.
- رود دجله به خلیج فارس می ریزد
- ۸۵ درصد گیاهان در اقیانوسها رشد می کنند.
- اولین تمیر جهان در سال ۱۸۴۰ در انگلستان به چاپ رسید.
- سریعترین پرنده شاهین است و می تواند با سرعت ۲۰۰کیلومتر در ساعت پرواز کند.
- اولین اتومبیل را بنظرال‌الدین شاه قاجار وارد ایران کرد.
- قدرت بینایی جغد ۸۲ برابر قدرت دید انسان است.
- در شبلی منقلقه ای صحرایی وجود دارد که هزاران سال است در آن پاران نابریده است.
- هر ۵۰ ثانیه یک نفر در دنیا به بیماری ایدز مبتلا می شود.
- وزن اسکلت انسان بالغ بر سیزده تا پانزده کیلوگرم است.
- خرس قطبی هنگامی که روی دو پا می ایستد حدود سه متر است.
- زرافه می تواند با زبانش گوشه‌ایش را تمیز کند.
- خرگوش و طوطی تنها حیواناتی هستند که می توانند بدون برگشتن، انیای پشت سر خود را ببینند.
- اگر همه پیکهای قطب جنوب آب شوند بر سطح آب اقیانوسها هفتاد متر اضافه می شود و در این صورت یک چهارم خشکیای کره زمین زیر آب می رود.

آدمها مثل کتابها هستند

■ بعضی از آدم ها جلد زرکوب دارند . بعضی جلد ضخیم می شوند و بعضی با کاغذ خارجی . بعضی از آدمها ترجمه شده اند . بعضی از آدم ها فتوکپی آدم های دیگرند . بعضی از آدم ها با حروف سیاه چاپ می شوند و بعضی از آدم ها صفحات رنگی دارند . بعضی از آدم ها تیترا دارند . فهرست دارند و روی پیشانی بعضی از آدم ها نوشته اند : حق هر گونه استفاده ممنوع و محفوظ است.بعضی از آدم ها نمایشنامه اند و در چند پرده نوشته می شوند. بعضی از آدم ها فقط جدول و سرگرمی دارند و بعضی از آدم ها معلومات عمومی هستند

بعضی از آدمها خط خوردگی دارند و بعضی از آدم ها غلط چاپی دارند. از روی بعضی از آدم ها باید مشق نوشت و از روی بعضی از آدم ها باید جریمه نوشت . بعضی از آدم ها را باید چند بار بخوانیم تا معنی آنها را بفهمیم و بعضی از آدم ها را باید خوانده دور انداخت .

امروز بر عقیق چشم تو رگه های بی مهری نشسته و به فیروزه چشم من داغهای حسرت را گذاشته تلخ.

برای تو حرف نمی زنم ، پدری بود که بد کرد و به لوح نامه وجودم صورتک فسخ شده اندوه را کشید

امروز در این سینه ، در این سراب ، آتش مقدسی فروزان است که با دست تو شعله و رشد و با خاکستر قهرت فرو نشست ، با آمدن تو در مخمل لطیف رویا غنودم و با رفتنت در پیله اندوه فرو رفتم و حالا

من بی تو خود و با توام و تو با خود و بی منی ،
پا رویای را زنده ام و تو پاسایبی مانده.
ببین فری میدانم تو در هر حال با فرمول های

گونگان و خطوط مقدس و خمیده و شکسته سروکار داشته ای ولی این حق نیست آقای مهندس !
که دلم را مثل خطوط مثلث خم کنی و بشکنی زیرا بین من و مثلث تفاوت هاست . این ارتفاع وقاعده را برای مساحتش پیدا کنی باید قاعده را در نصف ارتفاع ضرب کنی .
اما من مثلث بی قاعده ام . نه زندگی ام قاعده ای داشته باشد و نه سرنوشتم ارتفاعی همیشه در ژرف بوده ام و هر گز سرنوشتم فرازوار ارتفاعی بخود ندیده است .

از اینکه بگذریم تنهای تنها بوده ام و تو مثل نیلوفری درمن شکفتی . نیلوفری که هنوز از گلادان چشم من آب می خورده به لحظاتی که با هم بودیم بیزدیش ، لحظاتی که در رزفای نگاه های مهربان

مسبح دلم را در آغوش خود داشتند و تو این مسبح را بی رحمانه بر صلیب عناد خود کشیدی مصلویش کردی . از تو می پرسم ، شما مرد ها برای ندبای تب آلوده ، جز طالعی نگون و خاكدان تیره چه ارمغانی آورده اید ؟ آمدی گفتی که دوستم داری برای تو این کلام فقط از چندحرف مرده وبی جان تجاوز نمی کرد . ولی من با هر حرفش ، هر نقطه و ترکیبش عشق ورزیدم ... ما زن ها گاهی بیش از آنکه به صاحب سخن ببندیم در گژو خم عیارانش غرق می شویم ... خیال می کنی بعد از تو چه خواهم کرد ؟ نه خواهم مرد . نه خواهم ماند . نه خواهم سوخت ... نه خواهم ساخت . تو با من سازوبی من میر. وزین پس ، من حروف نامه را اشک خواهم ساخت مگر این سان توانم نامه ای اندوهگین پرداخت توچون من باش و یا پرهیز دشمن باش . آسوده باش فری ...

آ

آمدی گفتی که دوستم داری برای تو این کلام فقط از چند حرف مرده وبی جان تجاوز نمی کرد . ولی من با هر حرفش ، هر نقطه و ترکیبش عشق ورزیدم ..

خیال می کنی بعد از تو چه خواهم کرد ؟ نه خواهم مرد .. نه خواهم ماند .

نه خواهم سوخت ...

نه خواهم ساخت..

اگر تو نخواستی ، آغوش بی ماتمت مرگز از پیکر من پر نخواهد شد . تو بمان و عزیزانت . تو بمان و خانواده ات . تو بمان و مادری که تو را شیر داد تا سالها بعد همین طفل شیر نوش ، شیر بی رحم شیر درمن یک دختر شود ! تو بمان و پدری که دستت را گرفت و به مدرسه و دانشگاه فرستاد و پادت داد که مرا مهندس باش وبا کولیس و میکرومتر غم های مرا اندازه بگیری . ولی اگر تو بخواهی ، اگر تو بیایی ، اگر تو بمانی برایت بستری از اشک خواهم ساخت و تو در این بستر ، گلاهی های کدورت را خیره های نوازشم براین شیشه رنگ آینه نمی زد. لحظاتی که در چشمه سار وسوسه دردلهامان می جوشید و برلب هامان می ریخت و به دنبال این رویای نوشین ناگهان به دنبال نیش های زهر آلود سخنان پدرم،توتندباد شدی و زغن های جدائی را برشاخسار وجودم کوباندی .دلم می خواست که بعداز این خزان ،بهار نیازتو نمیدن گیرد و شبان مهرت پاسدار رمه های دلم باشد .

ولی غافل از این بودم که تو خزان رستان و خزان بی بهاری .راستی گل های مریمی که برایت فرستادم یادت هست ؟ ... این گل مثل مریم مقدس زندگیم کوشا باش .

احمد ناکهان

می آید عقب می رفتند. نظامی در جلوتر می رفت که در همان زمان ماشینی ایستاد و بی خبر، نظامی که لباس شخصی پوشیده بود ازماشین پیاده شد . احمد گفت: دستاتو بالا بگیر و نظامی مات و مبهور دستاشو بالا گرفت و احمد کلت را از پشت کمرش برداشت و نظامی رو به سربازها که آنجا ایستاده بودند گفت: او کلاشینکف کار می کنه که دستشه .

ا

احمد ناگهان متوجه هیاهو و سر و

صدای پشت سرش شد که دید مردم

همه ایستادند و پلیس ها دارند به

سمت اون اسلحه هاشونو آماده می

کنند و او بدون اینکه به پاییین

نگاه کند ، درحالی که به آنها نگاه

می کرد خود را از پنجره به بیرون

پرت کرد



مهسا زرگر

دیوانه

نشستن و الکی منو انیت می کنند و از این هوای آزاد لذت نمی برند . پس بشنیدیم ،من که من میرم و سریع به طرف پنجره رفت و در قاب پنجره جای گرفت و ناگهان متوجه هیاهو و سر و صدای پشت سرش شد که دید مردم همه ایستادند و پلیس ها دارند به سمت اون اسلحه هاشونو آماده می کنند و او بدون اینکه به پایین نگاه کند ، درحالی که به آنها نگاه می کرد . خود را از پنجره به بیرون پرت کرد.

وقتی روی بوته ها افتاد بدون اینکه دردی توی پاهاش احساس کنه ، بلند شد و شروع به دودین کرد که دید چند پلیس مسلح پشت پاترولی ایستاده اند و متوجه او نیستند که از بالای

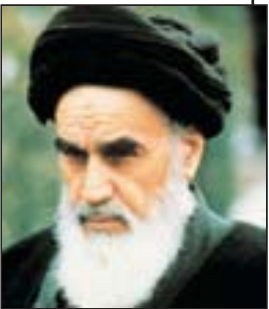
ساختمان صدای مردم را شنید که گفتند بگیریدش .اون دیوونه رو بگیرید و پلیس ها تازه متوجه اوشده بودند و خواسته اسلحه شان را مسلح کنند که او با قدرت بدنی خود ماشینی را که آنها به آن تکیه داده بودند را به سمت آنها هل داد و ماشین از پهلوی آنها افتاد و اسلحه ی یکیشون روی زمین افتاد ،او هم خوشحال اسلحه را از زمین برداشت و آنها را آماده شلیک کرد بدون اینکه به کسی بگوید من می خواهم شلیک کنم ،شلیک کرد اما اسلحه خالی بود که او دید اسلحه اش خالی است.اصلا

ترسید و همین داشتن اسلحه به او شجاعت می داد. همه ی مردم وقتی می دیدند او اسلحه دارد وحشیانه جلو

■ لحظاتی که عشق من آهن و دلت را شیشه کرد وجیوه های نوازشم براین شیشه رنگ آینه نمی زد. لحظاتی که در چشمه سار وسوسه دردلهامان می جوشید و برلب هامان می ریخت و به دنبال این رویای نوشین ناگهان به دنبال نیش های زهر آلود سخنان پدرم توتندباد شدی و زغن های جدائی را برشاخسار وجودم کوچاندی

ای چراغ بیداری

محمد علی شاه حسینی



سلام بر تو ای شکوه ایثار ، ای روح خدا، ای جانشین نبی ، سلام بر تو ای شیر پیدای توحید ای عبد صالح، ای عارف عاشق سالهاست که چراغ وجودت خاموش گشته اما گرمای جانفرایت بیشتر از همیشه است .

سالهاست که زیان تو که تطهیر یافته جوی زلال معرفت بود ساکت و خاموش گشته اما هنوز در جاری ایمان بیننده ترین فریادی ، افکارمعالی تو بر بلندای آفاق لبخند می زند و در آن ترنم همیشه جاری،آوای خوش کلامت بگوش می رسد .

ای رود همیشه جاری ، ای چراغ بیداری، ای روح خدا، بر چه باورند ناکثان ، مارقان وقاسطان که گمان دارند شمع وجود تو خاموش گشته .تو روشنی بخش بزم آفرینشی ، بر چه باورند خناسان که فریاد حَقگوی تو از بین رفته ، تو رسا ترین فریاد زمانه ای ، برچه باورند شب پرگان گریزان از چشمه وحی که تو راست قامت بر قله ابدیت ایستاده ای ، نه تو هستی بودنی به زلالی چشمه به درخشندگی آفتاب ، به صلابت کوه،به گستره شب ، به تیش موج ، نه تو هستی ، بودنی به حضور جاری ایمان در رگهای اجتماع که تو خون گرم حیات در عروق سرد اجتماعی آهنگ کلام تو سروش بیداری و صلاّی اِیحایِ تفکر ناب محمدی (ص) است .

ای دلسوخته عاشق در محفل انس با خدای خود که گفتی که ایپسان وعده ملاقات گرفتنی در نافله شب با او چه جوانوی داشتی که ایپسان تو را به نزد خود خواند ، آتشی که از هجر تو بر جانمان افتاده است التهاب ما را برای لقاء معشوق بیشتر می کند و راستی خوشا به حال شهیدان که در گرد رهبر خود حلقه زدند و آمدش را خوش آمد گفتند .

خوشا به حال آن عباد صالحی که آغوش به بهترین

حماسه ساز تاریخ گذشوند. ای رسول ایمان امروز پس از سالها نهال اندیشه تو سر سبز تر از همیشه در مقابل طوفان حملات دشمنان قد برافراشته است ، ای درخت تناور عشق نمی دانم در غم فراق تو این همه درد و ماتم را با که بنه جوابنشینیم

می خواهم با شعری تو را بسرایم ، می خواهم با قلمی به رنگ رنگین کمان تو را به تصویر بکشم، می خواهم سیدی از ستاره بچینم و به گلزارت بریزم .

ای رهرو راه انبیاء کلام پر مهر تو را تشنه ایم ، کلام تو کلام بیداری است،مقام والای تو را می ستاییم و بر روح بزرگ تو درود می فرستیم .

تلفن های ضروری

شرکت آب منطقه ای استان..... ۳۳۵۴۱۱۵
شرکت آب و فاضلاب استان..... ۳۳۵۰۵۸۱
شرکت آب وفاضلاب روستا یی.....۳۳۳۸۰۰۲-۲
آتش نشانی ۱۲۵
پلیس..... ۱۱۰
دفتر نظارت همگانی(نیروی انتظامی) ۱۹۷
سنا خبری..... ۱۱۲
اورژانس..... ۱۱۵
اطلاعات قطارهای مسافری..... ۱۳۶
خرابی تلفن..... ۱۱۷
اطلاعات تلفن..... ۱۱۸
اتفاقات برق ۱۲۱
اتفاقات آب غرب۵۵۱۱۰۰۲-۱
سا زما ن آموزش و پرورش..... ۳۳۲۹۰۰۱-۵
آموزش و پرورش ناحیه ۲.....۸-۲۲۴۷۷۴۷
آموزش وپرورش ناحیه(۱)..... ۳۳۲۵۳۲۳
شرکت برق منطقه ای۳۳۳۷۱۰۰-۵
شرکت مخابرات هرمزگان..... ۶۶۶۹۵۴۴
اداره کل تامین اجتماعی استان..... ۲۲۴۲۴۹۵
سازمان انتقال کل خون۲۲۲۸۰۲۲
اداره کل نوسازی مدارس..... ۳۳۴۲۳۸۱-۲
اداره کل فنی و حرفه ای استان..... ۶۶۶۸۹۸۱-۴
صدا و سیما ی خلیج فارس..... ۳۳۳۰۰۲۰-۲۳
اطلاعات پرواز..... ۶۶۶۵۸۲۸
شرکت توزیع نیروی برق..... ۶۶۶۲۵۴۱-۱-۶
سازمان جهاد کشاورزی..... ۳۳۳۸۰۵۲
اداره کل استاندارد..... ۳۳۳۸۰۲۱-۲-۲
شهرداری بندرعباس..... ۵۵۶۲۳۲۳
مرکز مخابرات امام خمینی..... ۳۳۳۲۵۹۱-۳
اداره کل راه و ترابری استان..... ۳۳۳۴۰۱۲۴
دانشگاه هرمزگان..... ۳۳۳۹۶۲۹
شورای اسلامی شهر بندرعباس..... ۳۳۳۱۹۵۵
سازمان مسکن و شهرسازی..... ۴۳۷۰۰۰۲-۲-۴۳۷۰۰۰۲
خدمات بار فرودگاه بندرعباس..... ۶۶۶۰۰۵۰۵
بیمارستان خلیج فارس۶۶۷۰۲۸۵-۹
بیمارستان شهید محمدی..... ۳۳۲۷۰۰۱-۸
بیمارستان امام رضا..... ۳۳۲۲۳۲۴-۳-۵
بیمارستان شریعتی..... ۳۳۲۲۳۲۴
تاکسی تلفنی هرمزگان ۳۳۲۰۱۱۰
تاکسی تلفنی توران سفر ۳۳۴۵۰۲۰
تاکسی تلفنی بندر تاز..... ۳۳۳۵۳۲۲
تاکسی تلفنی امید..... ۳۳۳۵۰۴۰
تاکسی تلفنی عدالت..... ۳۳۳۸۸۰۱
تاکسی تلفنی همراه ۵۵۶۸۴۸۴
تاکسی تلفنی نادر گفت بندر..... ۳۳۴۳۱۹۷
تاکسی تلفنی آریا..... ۳۳۶۰۴۴۰
تاکسی بیمیم بندرعباس..... ۱۳۲
بیمارستان صاحب الزمان (ع)..... ۵۵۴۵۰۱۰۴-۵

با صرفه جویی در مصرف آب در حفظ سرمایه ملی کشور سهمیم

www.AbfarHormozgan.com

info@AbfarHormozgan.com

روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب روستایی هرمزگان

